



مختصری از مسئولیت‌پذیری در قرآن و کلام معصومین (ص)

شکرالله بینایی^۱

چکیده

مسلمان یعنی کسی که قرآن و پیامبر صلوات‌الله‌علیه‌وآله را قبول دارد و تلاش می‌کند آن‌ها را از خود خشنود کند چون باور کرده است که قرآن کتاب وحی و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله رسول خداست. حال اگر به هر بهانه‌ای با این تصدیق اعتقادی خود رفتار نامناسبی داشته باشد و مطابق دستور خداوند در قرآن و کلام الهی پیامبر گرامی که قبل از بعثت به محمد امین شهرت یافته بودند و درستی گفتار ایشان و اوصیای معرفی‌شده از سوی آن رسول رحمت عمل نکند، عهدشکن محسوب می‌شود و به مسئولیت خود عمل نکرده است. مطابق آیات ذکرشده، دین-داری موردقبول خداوند فقط ظاهر اعمال نیست بلکه مسئولیت‌پذیری نسبت به تمامی افعال از جمله صدق گفتار، رفتار، نیت، خدمت به زیردستان و ضعفا و ادای امانت جزء لاینفک دین اسلام است.

واژگان کلیدی: عهد، مسئولیت، خدمت به دیگران، امانت‌داری

^۱ نویسنده مسئول: فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد برنامه آمایش سرزمین، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، رایانامه:

مقدمه

مسئولیت‌پذیری نکته‌ی کلیدی تعامل انسان با محیط و سایر مخلوقات خداوند مخصوصاً سایر انسان‌ها است. آیات متعددی از قرآن کریم و احادیث پیامبر گرامی اسلام صلوات‌الله‌علیه و ائمه معصومین علیهم‌السلام بر این نکته کلیدی تأکید داشتند که انسان مسئول اعمال و رفتار خود است و در صورت رعایت قوانین الهی مشکل انسان در هر دو سرای دنیا و آخرت حل می‌شود که نمونه‌هایی از نتایج پژوهش در این مقاله ذکر می‌شود.

روش‌شناسی

این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و با استفاده از نرم‌افزارهای قرآنی حبل‌المتین و دانشنامه اسلامی، با جستجوی آیات مربوط به عهد و مسئولیت و تفسیرهای مربوط به آن‌ها از تفسیر نور حجت‌الاسلام قرائتی انجام گرفته است، فصل دوم پایان‌نامه^۲ نگارنده نیز که با مطالب قرآنی همراه بود چراغ راهی برای این پژوهش گردید. ابتدا آیات و ترجمه مربوط ذکر می‌شود و هر جا لازم است، منتخبی از تفسیر آیه ضمیمه مطلب می‌شود و با احادیث نورانی اهل‌بیت سلام‌الله‌علیهم مطلب تکمیل شده است.

نتایج

عهد و مسئولیت در آیات قرآن

عهد: مباحثی چون تعهد که با عهد یا عهداً مسئولاً و... همراه است، در سوره یاسین آیه ۶۰ أَلَمْ أَعْهَدْ لِإِيكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ای فرزندان آدم! آیا به شما سفارش نکردم که شیطان را مپرستید که او بی‌تردید دشمن آشکاری برای شماست؟ «آیه ۶۰ سوره یاسین» هرگونه خطا و لغزش یعنی شکستن پیمان الهی (قابل توجه غارت‌گران بیت‌المال). یتیم‌نوازی قرآن: در سوره اسری آیه ۳۴ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا و به مال یتیم تا زمانی که به سن بلوغ و رشدش برسد، جز به بهترین شیوه نزدیک نشوید؛ و به عهد و پیمان وفا کنید، زیرا (روز قیامت) درباره

^۲ شکرالله بینایی، شهریور ۱۳۹۸: فصل دوم مبانی نظری مطالب قرآنی (صفحات ۹۲-۱۱۰) پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه برنامه‌ریزی آمایش سرزمین پردیس فارابی دانشگاه تهران با عنوان تحلیل و بررسی ابعاد و شاخص‌های توازن منطقه‌ای در ایران با رویکرد آمایش سرزمین.

پیمان بازخواست خواهد شد « اسری آیه ۳۴». در آخر این آیه ان العهد کان مسؤلاً آمده یعنی به یقین از پیمان‌ها سؤال می‌شود. در حدیث می‌خوانیم: مراد از عهد و پیمانی که مورد سؤال است، محبت و دوستی و اطاعت از علی علیه‌السلام است (قرائتی، ۱۳۸۳). وقتی این آیه نازل شد، مسلمانان از حضور بر سر سفره‌ی ایتم‌کناره گرفتند و آنان را منزوی ساختند. آیه‌ی دیگری نازل شد که مراد از نزدیک نشدن، سوءاستفاده است و الا افراد مصلح نباید به بهانه‌ی تقوا، یتیمان را رها کنند. در آیه ۲۲۰ سوره بقره این مطلب وجود دارد: فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ اِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَّ اِنْ تَخَالَطُوهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ وَّ اللّٰهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَّ لَوْ شَاءَ اللّٰهُ لَاعْتَمَكُمُ اِنْ اللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (تا اندیشه کنید) در دنیا و آخرت. از تو درباره یتیمان می‌پرسند، بگو: اصلاح امور آنان بهتر است و اگر زندگی خود را با زندگی آنان بیامیزد (مانعی ندارد) آن‌ها برادران (دینی) شما هستند. خداوند مفسد را از مصلح بازمی‌شناسد و اگر خدا می‌خواست شما را به زحمت می‌انداخت (و دستور می‌داد در عین سرپرستی یتیمان، زندگی و اموال آن‌ها را به کلی از اموال خود جدا سازید، ولی خداوند چنین نمی‌کند). همانا او عزیز و حکیم است. «آیه ۲۲۰ سوره بقره» (افراد یتیم و ضعیف توان دفاع از خود ندارند پس جامعه در برابر آن‌ها مسئول است). در تفاسیر آمده است: وقتی آیه دهم سوره نساء اِنْ الَّذِيْنَ يَأْكُلُوْنَ اَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا اِنَّمَا يَأْكُلُوْنَ فِيْ بُطُوْنِهِمْ نَارًا وَّ سَيَصْلُوْنَ سَعِيْرًا «آیه ۱۰ سوره نساء» «همانا آنان که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند در حقیقت، آتشی را در شکم خود فرومی‌برند و به زودی در آتشی افروخته وارد خواهند شد.» نازل شد که خوردن مال یتیم خوردن آتش است، افرادی که در منزل یتیمی داشتند به اضطراب افتادند. برخی یتیمان را از خانه بیرون کردند و بعضی ظرف و غذای یتیم را جدا نمودند به طوری که برای یتیم و صاحب‌خانه مشکلاتی به وجود آمد. آنان به حضور پیامبر صلی‌الله علیه و آله رسیدند و از رفتار با یتیمان سؤال نمودند، پیامبر جواب داد: اصلاح امور یتیمان، از رها کردن آن‌ها بهتر است و نباید به خاطر آمیخته شدن اموال آنان با اموال خودتان، ایتم را رها کرد و از مسئولیت اداره آن‌ها شانه خالی کنید. آنان برادران دینی شما هستند و مخلوط شدن اموال آنان با زندگی شما در صورتی که هدف، حیف و میل اموال آن‌ها نباشد مانعی ندارد و بدانید خداوند مفسد را از مصلح بازمی‌شناسد (قرائتی، ۱۳۸۳). خدمت به دیگران: وَاعْبُدُوا اللّٰهَ وَّ لَا تُشْرِكُوْا بِهِ شَيْئًا وَّ بِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا وَّ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَّ الْيَتَامَىٰ وَّ الْمَسْكِيْنَ وَّ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَّ الْجَارِ الْجُنْبِ وَّ الصّٰحِبِ بِالْجُنْبِ وَّ ابْنِ السَّبِيْلِ وَّ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ اِنْ اللّٰهُ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا «آیه ۳۶ سوره نساء» و خدا را بپرستید و هیچ چیز را

شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و به بستگان و یتیمان و بنویان و همسایه‌ی نزدیک و همسایه‌ی دور و یار هم‌نشین و در راه مانده و زبردستان و بردگانتان (نیز نیکی کنید). همانا خداوند هر که را متکبر و فخر فروش باشد، دوست نمی‌دارد. این آیه، از حق خدا «وَاعْبُدُوا اللَّهَ» تا حق بردگان «مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» را بیان می‌کند و این نشانه‌ی جامعیت اسلام است. «الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجَنَّبِ» شامل همسایه‌ی فامیل و غیر فامیل، هم‌عقیده و غیر هم‌عقیده نیز می‌شود. به گفته‌ی روایات تا چهل خانه از هر طرف، همسایه‌اند. یعنی در مناطق کوچک، همه همسایه‌اند. «الصَّاحِبِ بِالْجَنَّبِ» شامل رفقای دائمی یا موقت، رفقای سفر، یا آنان که به امید نفعی سراغ انسان می‌آیند می‌شود. «ابن السَّبِيلِ» ممکن است در وطن خود متمکن باشد و ما شناختی از او و بستگانش نداشته باشیم، فقط بدانیم که درمانده‌ی در سفر و فرزند راه است که باید مورد حمایت مالی قرار گیرد. «مختال»، کسی است که در دنیای خیال، خود را بزرگ می‌پندارد و تکبر می‌کند. اگر به اسب هم «خیل» می‌گویند چون متکبرانه راه می‌رود. احسان به پدر و مادر شامل محبت، خدمت، کمک مالی، علمی، عاطفی و مشورت با آنان می‌شود. شرط احسان به والدین خوب بودن آنان نیست، ولی اطاعت از والدین در صورتی است که آنان به امری برخلاف رضای خدا فرمان ندهند. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: پیامبر صلی‌الله علیه و آله و علی علیه‌السلام پدران این امت هستند، زیرا در قرآن آمده است اعْبُدُوا اللَّهَ ... وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا^۳ (قرآنی، ۱۳۸۳). کسانی که خود را کاندیدای انتخابات مختلف می‌کنند یادشان باشد پا جای چه کسانی باید بگذارند «حضرت علی علیه‌السلام و پیامبر گرامی صلوات‌الله‌علیه‌واله» و چگونه عمل کنند تا افراد جامعه اسلامی کمترین آسیب اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و معنوی داشته باشند. بدون علم حرف زدن ممنوع: در آیه ۳۶ سوره اسری ذکر می‌کند که چیزی را که به آن علم ندارید نگویند چون گوش و چشم و دل مورد بازخواست قرار می‌گیرند. وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئَلًا «آیه ۳۶ سوره اسری» و از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن، چون گوش و چشم و دل، همه‌ی این‌ها مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. در طول تاریخ بسیاری از فتنه‌ها و نزاع‌ها از قضاوت‌های عجولانه یا حرف‌های بی‌مدرک و نظریه‌های بدون تحقیق و علم بروز کرده است. عمل به این آیه، فرد و جامعه را در برابر بسیاری از فریب‌ها و خطاها بیمه می‌کند. چراکه خوش‌بینی بیجا، زودباوری و

شایعه‌پذیری جامعه را دستخوش ذلت و تسلیم دشمن می‌کند. تقلید کورکورانه، پیروی از عادات و خیالات، تبعیت از نیاکان، باور کردن پیشگویی‌ها، خواب‌ها، حدس‌ها و گمان‌ها، قضاوت بدون علم، گواهی دادن بدون علم، موضع‌گیری، ستایش یا انتقاد بدون علم، تفسیر و تحلیل و نوشتن و فتوا دادن بدون علم، نقل شنیده‌های بی‌اساس و شایعات، نسبت دادن چیزی به خدا و دین بدون علم، تصمیم در شرایط هیجانی و بحرانی و بدون دلیل و برهان، تکیه به سوگندها و اشک‌های دروغین دیگران و همه‌ی این‌ها مصداق «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» و ممنوع است. به مقتضای روایات متواتر و معتبر، پیروی از اصول قطعی شرعی (مانند فتوای مجتهد یا علمی که به اطمینان‌های نزدیک به یقین اطلاق می‌شود) پیروی از علم است. همچنان که مردم از نسخه‌ی پزشک متخصص و دلسوز علم پیدا می‌کنند، از فتوای مجتهد جامع‌الشرایط و متقی نیز علم به حکم خدا پیدا می‌کنند. به همین خاطر این مرحله از علم کافی است، هرچند علم درجاتی دارد و مراحل عمیق‌تر آن مانند: علم‌الیقین، حق‌الیقین و عین‌الیقین است. امامان معصوم علیهم‌السلام اصحاب خود را از شنیدن و گفتن هر سخنی بازمی‌داشتند و به آنان توصیه می‌کردند که دربان دل و گوش خود باشید و در این امر، به این آیه «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» استناد می‌کردند. چنانکه امام صادق علیه‌السلام برای متنبه کردن شخصی که هنگام رفتن به دستشویی، توقف خود را در آنجا طول می‌داد تا صدای ساز و آواز همسایه را بشنود، این آیه را تلاوت کرد و فرمود: گوش از شنیده‌ها، چشم از دیده‌ها و دل از خاطرات مؤاخذه می‌شود. امام سجاد علیه‌السلام نیز فرمود: انسان حق ندارد هرچه می‌خواهد بگوید (قرآتی، ۱۳۸۳).

بازخواست از ستمکاران و عهدشکنان: در آیه ۲۴ سوره صافات بازپرسی روز قیامت از ستمکاران را راحت می‌داند: أَحْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ «۲۲» (خداوند به فرشتگان دستور می‌دهد) ستمکاران و هم‌ردیفان آنان و آنچه را به‌جای خداوند می‌پرستیدند (در یکجا) گرد آورید. مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ «۲۳» وَ قَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ «۲۴» پس همه را به راه دوزخ راهنمایی کنید. آنان را متوقف کنید، زیرا که آنان مورد سؤال و بازخواست هستند (قرآتی، ۱۳۸۳).

آیه ۸۶ سوره طه درباره عهد قوم بنی‌اسرائیل با پروردگار از زبان حضرت موسی علیه‌السلام درباره عدم خلف وعده الهی و در آیات بعدی ماجرای سامری و اغوای قوم بنی‌اسرائیل ذکر شده است. فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدَّآ حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي «آیه ۸۶ سوره طه» پس موسی خشمگین و

اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت (و) گفت: ای قوم من! آیا پروردگارتان به شما وعده‌ای نیکو (نزول تورات) نداد؟ آیا مدت (غیبت من) بر شما طولانی شد؟ یا اینکه می‌خواستید خمشی از طرف پروردگارتان بر شما فرود آید، که با قرار و موعد من تخلف کردید؟! (خلقت انسان هدفمند بوده، بنابراین امتحانات او هدفمند است باید مواظب پرتگاه‌ها باشیم). در این آیه به دو وعده اشاره شده است، یکی وعده‌ای از جانب خداوند که نزول تورات بوده است، «أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا» و دیگری وعده‌ای از طرف موسی علیه‌السلام با مردم که در زمان غیبت او از برادرش هارون اطاعت کنند ولی مردم با گوساله‌پرستی آن‌ها را نادیده گرفتند. البته موسی هنگام توبیخ آنان، علت انحرافشان را سؤال کرد و پرسید: آیا انحراف شما عامدانه بود و با آگاهی به سراغ قهر خدا رفتید؟ یا از روی غفلت به آن روی آوردید؟ آیا به خاطر اینکه سی‌روز غیبت من به چهل روز منتهی گردید، شما منحرف شدید؟ و آیا در این آیه همچون آیه ۸۱، «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ» (آیه ۸۱ سوره طه) «(اینک) از چیزهای پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید و در آن طغیان نکنید که قهر و غضب من بر شما وارد خواهد شد و هر کس که قهر من او را بگیرد، قطعاً سقوط کرده است. از حلول غضب الهی سخن به میان آمده است، لیکن در آنجا عامل غضب، طغیان و در اینجا پیمان‌شکنی مردم بیان شده است. این‌ها عواملی است که رمز سقوط بنی‌اسرائیل در آن‌ها نهفته است (طبق آیه قرآن غارت گران بیت‌المال قطعاً طغیان‌گرند). در آیه ۷۷ سوره آل‌عمران «إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ آيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَ لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (آیه ۷۷ سوره آل‌عمران) همانا کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خودشان را به بهای ناچیزی می‌فروشند، برایشان نصیبی در آخرت نیست و خداوند در قیامت با آن‌ها سخن نمی‌گوید و به آنان نیز نظر (لطف) نمی‌کند، آن‌ها را (از گناه) پاک نمی‌سازد و برای آنان عذابی دردناک است. ان الذین یشترون بعهد الله و ایمانهم ثمناً قليلاً..... ترجیح دنیا بر آخرت را برابر عهدشکنی می‌داند و توبیخ الهی به خاطر آن را ذکر کرده است. این آیه کسانی را که پیمان‌شکنی می‌کنند به پنج نوع قهر الهی تهدید می‌کند: بی‌بهرگی و خسارت در آخرت، محرومیت از توجه خداوند، محرومیت از نظر لطف الهی و محرومیت از پاک‌سازی از گناه و گرفتاری به عذاب دردناک. در روایات شیعه و سنی آمده است که رسول خدا صلی‌الله علیه و آله فرمودند: «لا ایمان لمن لا امان له و لا دین لمن لا عهد له» کسی که مراعات امانت نکند، ایمان کاملی ندارد و آن کسی که به عهد

خوبش وفادار نباشد، دین کامل ندارد (تفسیر نورالثقلین و مراغی). در روایات آمده است: مراد از «بِعَهْدِ اللَّهِ»، حقایق مربوط به پیامبر اسلام در تورات است که به دست عالمان یهود، تحریف گشته است. مقایسه برخورد خدا با افراد خوب و بد: مقایسه کنیم وضع کسانی را که از جانب خداوند به آن‌ها پاداش و سلام داده می‌شود؛ «إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهُونَ» (۵۵) «بی شک اهل بهشت در آن روز به خوشی مشغول اند. هُمُ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِنُونَ» (۵۶) «آنان و همسرانشان در زیر سایه‌ها بر تخت‌های زینتی تکیه می‌زنند. لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَ لَهُمْ مَا يَدْعُونَ» (۵۷) «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (۵۸) «در آنجا (هرگونه) میوه برای آنان مهیا است و هر آنچه بخواهند برایشان موجود است. سلام، سخن پروردگار مهربان به آنان است. «آیات ۵۵-۵۸ سوره یاسین»، با کسانی که خدا هیچ سخنی با آنان نگوید؛ «لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ» (آیه مذکور) و اگر ناله‌ای سر دهند با جمله‌ی «أَخْسَوْا فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونَ» خفه می‌شوند، قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَ كُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ «۱۰۶» گویند؛ پروردگارا! شقاوت (و بدبختی) ما بر ما چیره شد و گروهی گمراه بودیم. رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ «۱۰۷» پروردگارا! ما را از دوزخ بیرون آور، اگر بار دیگر (به کفر و گناه) بازگشتیم، قطعاً ستمگریم. قَالَ أَخْسَوْا فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونَ» (خداوند به آنان) گوید: دور شوید و در آتش گم شوید و با من سخن مگویید «آیات ۱۰۶-۱۰۸ سوره مؤمنون». پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌فرمودند: هر کس با سوگند، مال و ثروت برادرش را به‌ناحق بخورد، مورد غضب الهی است. سپس این آیه را تلاوت کردند. حضرت علی‌علیه‌السلام فرمودند: مراد از نگاه خداوند در قیامت؛ «لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ» نگاه رحمت است (نه نگاه با چشم). پیمان‌شکنی با خدا از گناهان کبیره است. این نوع تهدید بی‌درپی، درباره هیچ گناه دیگری در قرآن مطرح نشده است. «يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ... لَا خَلَاقَ لَهُمْ سَوْغَدَ دَرُوعٍ بَرَايَ دِينِ فَرُوشِي، سَبَبِ مَحْرُومِيَّتِ دَرِ قِيَامَتِ مِي‌شُود. تَكْلِيْفِ بَه‌اَنْدَازَه‌ وَسَعِ: آيَه ۱۵۲ سوره انعام وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيْمِ اِلَّا بِاٰتِي هِي اَحْسَنَ حَتٰى يَبْلُغَ اَشْدَهٗ وَ اَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيْزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكْلِفْ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا وَ اِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰى وَ بِعَهْدِ اللّٰهِ اَوْفُوا ذٰلِكُمْ وَ صَآكُم بِهٖ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ» «آيه ۱۵۲ سوره انعام» به مال یتیم نزدیک نشوید (و در آن تصرفی نکنید) مگر به نیکوترین (طریقه‌ای که به صلاح او باشد) تا به حد بلوغ و رشد خود برسد. (در دادوستدها) پیمانه و ترازو را با عدالت تمام دهید. ما هیچ‌کس را جز به‌اندازه‌ی توانش تکلیف نمی‌کنیم و هرگاه سخن می‌گویید (چه در قضاوت و چه در شهادت) عدالت را رعایت کنید، هرچند (به زیان) خویشاوندتان باشد و به عهد و

پیمان خدا وفا کنید. این‌ها اموری است که خداوند شمارا به آن سفارش کرده است، باشد که یاد کنید و پند بگیرید. در این آیه مسئولیت انسان درباره یتیمان، عدالت و انصاف در معاملات و تذکر به تکلیف الهی برابر توان افراد، عدالت درباره خویشاوندان و عمل به پیمان الهی سفارش شده است. قوم حضرت شعیب، به خاطر کم‌فروشی گرفتار عذاب شدند. در قرآن نیز سه بار از کم‌فروشی نهی شده است. کلمه‌ی «کیل» هم به معنای پیمان است و هم به معنای پیمان‌ه کردن. کلمه‌ی «قسط» هم می‌تواند مربوط به «أوفوا» باشد یعنی پرداخت، عادلانه باشد و هم مربوط به «کیل و میزان» باشد، یعنی خود پیمان‌ه و ترازو سالم باشد. البته نتیجه هر دو یکی است و در آیه بعدی ذکر می‌کند که این همان صراط مستقیم است و آن‌ها صراطی مستقیماً فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله ذلكم وصاكم به لعلكم تتقون «آیه ۱۵۳ سوره انعام» و این (دستورها) راه مستقیم من است پس آن را پیروی کنید و راه‌های متفرق دیگر را پیروی نکنید که شما را از راه خداوند پراکنده کند. این سفارش خداوند به شماس، باشد که تقوا پیشه کنید. خداوند کارهای خود را به بهترین شکل (احسن) انجام می‌دهد: «أحسن الخالقين» «در آیه ۱۴ سوره مؤمنون»، «أحسن تقويم» «در آیه ۴ سوره تین»، «اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكِ اللَّهُ يَهْدِي بِهٖ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضَلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ «آیه ۲۳ سوره زمر» خداوند بهترین سخن را در قالب کتابی نازل کرد (که آیاتش) متشابه (و مشابه یکدیگر است). از تلاوت آیات) آن پوست کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند به لرزه می‌افتد، سپس (با ایمان و انس) به یاد خدا پوست‌ها و دل‌های آنان نرم و آرام می‌شود، این است هدایت خداوند که هر که را بخواهد به آن هدایت می‌کند و هر که را خداوند (به خاطر فسق و فسادش) گمراه نماید، پس هیچ هدایت‌کننده‌ای برای او نیست. و ... از ما هم خواسته که کارهایمان به نحو احسن باشد، تبارک‌الذی بیده‌الملک و هو علی کُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ الذی خلق الموت و الحیاة لیبلوکم ایکم احسن عملاً و هو العزیز العفور «آیات ۱ و ۲ سوره ملک» مایه خیر و برکت و بلندمرتبه است آن (خدایی) که فرمانروایی به دست اوست و او بر هر چیزی توانا است. او که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام‌یک از شما کار بهتری انجام می‌دهید و اوست عزتمند و آمرزنده. در تصرفات و فعالیت‌های اقتصادی، نیز باید احسن بود «إِلَّا بِأْتِي هِيَ أَحْسَنُ» «در آیه ۱۵۲ سوره انعام» و در گفتگو با مخالفان، «جادلهم بآتی هِيَ أَحْسَنُ» «در آیه ۱۲۵ سوره نحل»، در پذیرش سخنان دیگران، گوش کردن و پذیرش بهترین

سخنان «يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» «در آیه ۱۸ سوره زمر». در برخورد با بدی‌های مردم، بهترین نحو جواب دادن، اَدْفَعْ بِأَتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ» «آیه ۹۶ سوره مؤمنون» (ای پیامبر!) بدی را به بهترین روش دفع کن. (در مقام انتقام و مقابله به مثل مباش) ما به آنچه مخالفان توصیف می‌کنند آگاه‌تریم (می‌دانیم که مشرکان مرا به گرفتن فرزند و شریک و تو را به سحر و جادو توصیف می‌کنند). در تمام این موارد، کلمه‌ی «احسن» به کار رفته است یعنی تمام امور را باید به بهترین وجه ممکن پیش برد. برای مثال کسی که مسئولیتی در نظام اسلامی دارد یا مسئولیتی ندارد و قصد همراهی و همکاری با دیگران را دارد باید در قول و عمل خود، هم راستی و امانت داری و هم درستی عمل را پیشه خود کند، نه با دروغ‌گویی و خیانت به خود و دیگران آسیب وارد کند و با افتادن در دام شیطان، خدا و پیامبران را ناراحت و سرنوشت خود به هلاکت اندازد اما در ادامه این آیات قرار گرفته که نشان از قدرت شیطان و دشمنان دارد که باید برای درمان ماندن از شر آن‌ها به خدا پناه برد و با کمک خدا از خرابکاری شیطان برای نابودی خودمان فرار کنیم. وَ قُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ «آیه ۹۷ سوره مؤمنون» و بگو پروردگارا! من از وسوسه‌های شیطان‌ها به تو پناه می‌برم. وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ «آیه ۹۸ سوره مؤمنون» و پناه می‌برم به تو ای پروردگارا! از این‌که آنان نزد من حاضر شوند. وفای به عهد: آیه ۲۰ سوره رعد؛ الَّذِينَ يُوْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ «آیه ۲۰ سوره رعد» (خردمندان) کسانی هستند که به پیمان الهی وفا می‌کنند و عهد (او را) نمی‌شکنند. این آیه عمل به تعهد را وفا و تأیید وحی می‌داند و در آیات بعدی نمونه‌هایی از کارهایی که انتظار است انسان بر اساس وحی انجام دهد آمده است مانند پرهیز و صبر در برابر گناهان، برپاداشتن نماز، انفاق در نهان و آشکار، دفع شر مردم با نرم‌خویی و خوبی سفارش شده است. وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ «آیه ۲۱ سوره رعد» و آنچه را خدا به پیوند آن فرمان داده پیوند می‌دهند و از (عظمت و جلال) پروردگارشان همواره در هراسند و از حساب سخت و دشوار بیم دارند (۲۱). صَبْرٌ بِر طَاعَتٍ : وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ «آیه ۲۲ سوره رعد» و برای به دست آوردن خشنودی پروردگارشان (در برابر گناهان و انجام وظایف و حوادث) شکیبایی ورزیدند، نماز را بر پا داشتند، بخشی از آنچه را روزی آنان کردیم در نهان و آشکار انفاق نمودند و همواره با نیکی (عبادت) زشتی و پلیدی (گناه) را دفع می‌کنند (و با خوبی‌های خود نسبت به مردم، بدی‌های آنان را

نسبت به خود برطرف می‌نمایند، اینان‌اند که فرجام نیک آن سرای ویژه آنان است (۲۲). شکستن پیمان و خیانت ممنوع: آیات ۹۱ و ۹۵ سوره نحل تأکید بر عدم شکستن پیمان و خیانت به مؤمنان با بهانه‌های مختلف داشته و پیمان‌شکنی را با خیانت یکی می‌داند و آن را ترجیح دنیا بر آخرت دانسته و فنای دنیا را ذکر می‌کند و آیه ۴۰ سوره بقره تذکر به قوم بنی‌اسرائیل از ترس عذاب الهی برای پیمان‌شکنی و یادآوری ایمان به پیامبران الهی و عمل به آنچه به صورت وحی نازل شده است را بیان نموده است. «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ» «آیه ۹۱ سوره نحل» و به عهد خدا آنگاه که پیمان بستید وفادار باشید و سوگندها را پس از استوار ساختن نشکنید، زیرا که خدا را بر خودتان کفیل (و گواه و ضامن) قرار داده‌اید. همانا خداوند آنچه انجام می‌دهید می‌داند. «وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» «آیه ۹۵ سوره نحل» و پیمان خدا را با بهای کمی معامله نکنید، زیرا اگر بدانید، آنچه نزد خداست همان برای شما بهتر است. یا بنی‌اسرائیل اذکروا نِعْمَتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ» «آیه ۴۰ سوره بقره» ای فرزندان اسرائیل! نعمت‌هایم را که به شما ارزانی داشتیم، به خاطر بیاورید و به پیمانم (که بسته‌اید) وفا کنید، تا من (نیز) به پیمان شما وفا کنم و تنها از من پروا داشته باشید. «اسر» به معنای بنده و «ثیل» به معنای خداوند است. بنابراین اسرائیل در لغت به معنای بنده‌ی خداست. تاریخ بنی‌اسرائیل و اسارت آنان به دست فرعونیان و نجات آن‌ها به دست حضرت موسی علیه‌السلام و بهانه‌گیری و ارتداد آنان، یک سرنوشت و تاریخ ویژه‌ای برای این قوم به وجود آورده است. این تاریخ برای مسلمانان نیز آموزنده و پندآموز است که اگر به هوش نباشند، به گفته روایات به همان سرنوشت گرفتار خواهند شد. پیمان‌های الهی، شامل احکام کتاب‌های آسمانی و پیمان‌های فطری که خداوند از همه گرفته است می‌شود. در قرآن به مسئله امامت، عهد گفته شده است: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» در آیه ۱۲۴ بقره، یعنی پیمان من «مقام امامت» به افراد ظالم نمی‌رسد. پس وفای به عهد یعنی وفای به امام و رهبر آسمانی و اطاعت از او. همچنین در روایات می‌خوانیم؛ نماز، عهد الهی است (قرائتی، ۱۳۸۳). آیه ۷۶ سوره آل‌عمران عمل به تعهد را رعایت تقوا و دوستی خدا را یادآوری می‌کند. بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ «آیه ۷۶ سوره آل‌عمران» آری، هر کس به عهد خویش وفا کند و تقوا داشته باشد، پس بی‌گمان خداوند پرهیزکاران را دوست می‌دارد. تجارت سودمند با خدا؛ در آیه ۱۱۱ سوره توبه عمل به تعهد را تا پای جان فشانی و

شهادت در راه خدا و عمل خدا به عهد خود برای پرداخت بهای این عمل با بهشت را با دادوستدی بسیار سودمند برابر می‌داند. **إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ** «آیه ۱۱۱ سوره توبه» همانا خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را به بهای بهشت خریده است. آنان در راه خدا می‌جنگند تا بکشند یا کشته شوند. (وفای به این) وعده‌ی حق که در تورات و انجیل و قرآن آمده بر عهده خداست و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟ پس مژده باد شما را بر این معامله‌ای که به‌وسیله‌ی آن (با خدا) بیعت کردید و این همان رستگاری بزرگ است. آیه ۱۷۷ سوره بقره مفصل‌تر نوع عهد خدا را توضیح می‌دهد و عمق کار را بیان کرده که نیکی آن نیست که رو به مشرق و مغرب کنید بلکه ایمان به خدا و پیامبران، فرشتگان و کتب آسمانی و انفاق از آنچه دوست دارند به خویشان، یتیمان، سائلان، بردگان و اقامه نماز، ادای زکات، وفای به عهد، صبر و شکیبایی در تنگدستی، بیماری، سختی‌ها و جنگ و صداقت در دین‌داری را با تقوا برابر می‌داند.

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (تنها) این نیست که (به هنگام نماز) روی خود را به‌سوی مشرق یا مغرب بگردانید، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتب آسمانی و پیامبران ایمان آورده و مال (خود) را با علاقه‌ای که به آن دارد به خویشاوندان و یتیمان و بیچارگان و در راه‌ماندگان و سائلان و (در راه آزادی) بردگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بپردازد و آنان که چون پیمان بندند، به عهد خود وفا کنند و آنان که در (برابر) سختی‌ها، محرومیت‌ها، بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند، این‌ها کسانی هستند که راست گفتند (و گفتار و رفتار و اعتقادشان هماهنگ است) و اینان همان پرهیزکاران‌اند «آیه ۱۷۷ سوره بقره».

روش برخورد با بهانه‌گیران و عهدشکنان: آیه ۱۸۳ سوره آل عمران محاجه با دروغ عهدشکنان بنی‌اسرائیل را یادآور شده، **الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَاهَدَ إِلَيْنَا لَأَنْ نؤمنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِينَا بَقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّئْبِ قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ** کسانی که گفتند: همانا خداوند از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم، مگر

آنکه (به‌صورت معجزه) یک قربانی برای ما بیاورد، که آتش (صاعقه آسمانی) آن را بخورد! بگو: (این حرف‌ها بهانه است، بی‌گمان پیامبرانی پیش از من، با دلایلی روشن و (حتی) با همین (پیشنهادی) که گفتید برای شما آمدند پس اگر راست می‌گویید چرا آنان را کشتید؟ «آیه ۱۸۳ سوره آل‌عمران». آیات ۱۳۴ و ۱۳۵ سوره اعراف درخواست بنی‌اسرائیل از حضرت موسی علیه‌السلام برای دفع عذاب الهی از آن‌ها به خاطر عهدی که آن حضرت با خدا دارد را ذکر نموده است ولی در آیات بعدی عهدشکنی آنان بعد از رفع عذاب را یادآور شده است. وَ لَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَ لَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ «۱۳۴» فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَى أَجَلٍ هُمْ بِالْغُوهِ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ «۱۳۵» و چون بلا و بدبختی بر آنان واقع شد، (نزد موسی آمده) گفتند: ای موسی! برای ما نزد پروردگارت به خاطر عهدی که نزد تو دارد (و دعای تو را مستجاب می‌کند)، دعا کن که اگر این بلا را از ما برگردانی، قطعاً به تو ایمان می‌آوریم و حتماً بنی‌اسرائیل را (آزاد کرده) و با تو روانه می‌کنیم. پس همین‌که نکبت و بدبختی را (به خاطر دعای موسی) از آنان تا مدتی که باید به آن می‌رسیدند برداشتیم، باز هم پیمان خود را می‌شکستند. «آیات ۱۳۴ و ۱۳۵ سوره اعراف» آنچه شیران را کند رو به مزاج احتیاج است، احتیاج است، احتیاج (قرآنی، ۱۳۸۳). آیات ۴۸-۵۰ سوره زخرف همین مطلب را از زبان فرعونیان ذکر کرده که به پیامبر الهی لقب جادوگر می‌دهند. وَ مَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَ أَخَذْنَا هُم بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ «۴۸» وَ قَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّا لَمُهْتَدُونَ «۴۹» فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ «۵۰». و ما هیچ معجزه‌ای به فرعونیان نشان نمی‌دادیم، مگر آنکه از معجزه دیگر بزرگ‌تر بود و ما آنان را به عذاب گرفتیم تا شاید بازگردند و (به موسی) گفتند: ای ساحر، پروردگارت را به آنچه نزد تو عهد کرده است برای ما بخوان (تا عذاب را از ما بردارد که در آن صورت) قطعاً هدایت تو را خواهیم پذیرفت ولی همین‌که (به دعای موسی) عذاب را از آنان برطرف کردیم، همان دم همگی پیمان شکستند (و ایمان نیاوردند). «آیات ۴۸-۵۰ سوره زخرف». آیه ۷ سوره توبه پیمان‌شکنی مشرکان را ذکر می‌کند ولی یادآوری می‌کند تا زمانی که آن‌ها به عهد خود عمل کنند شما هم عمل کنید چون این عمل تقوای الهی است و خداوند متقین را دوست دارد، ولی در آیات بعد دلایل پیمان‌شکنی مشرکان را با این نکات که اگر بر شما تسلط پیدا کنند پیوند خویشاوندی را رعایت نمی‌کنند و شما را با زبان خشنود ولی در دل از آن امتناع دارند و فاسق می‌باشند ذکر می‌کند. كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ

وَ عِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ چگونه می‌تواند نزد خدا و رسولش، پیمانی با مشرکان (عهدشکن) باشد مگر کسانی که نزد مسجدالحرام با آنان پیمان بستید. پس تا هنگامی که به عهدشان وفا دارند، شما هم وفادار بمانید که خداوند متقین را دوست دارد» آیه ۷ سوره توبه». آیه ۱۰۲ سوره اعراف عدم پایبندی بیشتر مردم به وعده‌هایشان و نافرمانی الهی را با توضیحاتی درباره مردم و پیامبران قبلی در آیات قبل آن ذکر می‌کند. وَ مَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ وَ برای بیشترشان هیچ (پایبندی و) عهدی نیافتیم و همانا بیشترشان را فاسق و نافرمان یافتیم «آیه ۱۰۲ سوره اعراف». امام کاظم علیه‌السلام فرمود: «اذا جاء اليقين لم يجز الشك» هنگامی که نسبت به امری یقین حاصل شد، دیگر شک و تردید موجه نیست، سپس این آیه را تلاوت فرمود. شاید مراد حدیث این باشد که اگر کسی حق را از روی برهان شناخت ولی به خاطر هوای نفس در آن تشکیک کرد، مصداق آیه‌ی فوق شده و عهدشکن است (قرائتی، ۱۳۸۳). آیه ۲۷ سوره بقره، زیانکاری پیمان‌شکنان را بعد از روشن شدن حقیقت و علم بر آن را تذکر می‌دهد. الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (فاسقان) کسانی هستند که پیمان خدا را پس از آنکه محکم بستند می‌شکنند، و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند قطع می‌نمایند و در زمین فساد می‌کنند، قطعاً آنان زیان‌کارانند» آیه ۲۷ سوره بقره». در اسلام وفای به عهد حتی نسبت به کفار و عهدشکن واجب است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌فرمودند: «لا دين لمن لا عهد له»^۴ آن کس که پایبند تعهدات خود نیست، از دین کامل ندارد. خداوند در این آیه فرمان داده تا با گروه‌هایی پیوند و رابطه داشته باشیم: «أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» در روایات آن گروه‌ها چنین معرفی شده‌اند: رهبران آسمانی، دانشمندان، خویشاوندان، مؤمنان، همسایگان و اساتید. هر کس رابطه‌ی خود را با این افراد قطع کند، خود خسارت می‌بیند زیرا جلوی رشد و تکاملی را که در سایه این ارتباطات می‌توانسته داشته باشد، گرفته است. وفای به عهد کمالی است که خداوند خود را به آن ستوده است. در آیه ۲۵ سوره رعد همین مورد را با شدت بیشتری (لعنت و فرجام بد و دشواری آن سرای) برای پیمان‌شکنی بیان می‌کند. وَ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ

سوء الدار کسانی هستند که پیمان خدا را پس از محکم بستن می‌شکنند و آنچه را خداوند به پیوند آن فرمان داده قطع می‌کنند و در زمین فساد می‌نمایند. آنان اند که برایشان لعنت است و برایشان بدمزلی است «آیه ۲۵ سوره رعد». امام سجّاد علیه‌السلام^۵ به فرزندش وصیت می‌فرماید: «ایاک و مصاحبه القاطع لرحمه، فانی وجدته ملعونا فی کتاب الله» از دوستی و مصاحبت با کسانی که قطع رحم می‌کنند بپرهیز، زیرا من در قرآن آن‌ها را ملعون یافتم (قرآتی، ۱۳۸۳). آیه ۱۵ و ۱۴ سوره احزاب عهد و مسئولیت را با هم بیان نموده است و با ذکر مسئولیت انسان، در برابر تعهدات خود با خدا، بازخواست شدنی بودن این عهد را بیان می‌کند. وَ لَوْ دَخَلْتُ عَلَيْهِمْ مِنْ أَفْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوا الْفِتْنَةَ لَأَتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا (۱۴) وَ لَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَ كَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئَلًا (۱۵) و (آن منافقان و بیماردلان چنان بودند که) اگر (دشمنان) از اطراف مدینه بر آنان وارد می‌شدند و از آنان تقاضای فتنه‌گری می‌کردند، به‌سرعت می‌پذیرفتند و جز مدت کمی درنگ نمی‌کردند درحالی‌که آنان پیش‌ازاین با خداوند پیمان بسته بودند که (به دشمن) پشت نکنند و پیمان الهی بازخواست شدنی است «آیه ۱۵ و ۱۴ سوره احزاب». نسبت دروغ یهود به خدا بهانه‌ای برای عهدشکنی: آیه ۸۰ سوره بقره نوعی تمسخر الهی برای کسانی که با نقض عهد خود و گول زدن دیگران با نوشتار یا گفتار و ادعای عدم عذاب الهی برای خود (قوم بنی‌اسرائیل) را دارند آمده و قَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ. و (یهود) گفتند: جز چند روزی محدود هرگز آتش دوزخ به ما نخواهد رسید، بگو آیا پیمانی از نزد خدا گرفته‌اید که البته خداوند هرگز خلاف پیمان خود نمی‌کند یا اینکه بر خداوند چیزی را نسبت می‌دهید که به آن علم ندارید؟ «آیه ۸۰ سوره بقره». از جمله انحرافات عقیدتی یهود این بود که می‌گفتند: اگر بفرض ما گناهکار باشیم، کیفر ما از دیگران کمتر است و چند روزی بیشتر عذاب نخواهیم شد زیرا ما از دیگران برتریم که خداوند در این آیه، بر این طرز تفکر خط بطلان می‌کشد (قرآتی، ۱۳۸۳) و در آیه ۱۰۰ و ۱۰۱ سوره بقره و آیه ۵۶ سوره انفال عهدشکنی مداوم یهودان را ذکر کرده است. أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۰) وَ لَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۰۱) و آیا چنین نبود که هر بار آن‌ها (یهود) پیمانی با خدا و پیامبر بستند، جمعی

از آنان آن را دور افکندند، حقیقت این است که بیشتر آن‌ها ایمان ندارند. و هنگامی که فرستاده‌ای (چون پیامبر اسلام) از سوی خدا به سراغشان آمد که آنچه را با ایشان است (یعنی تورات) تصدیق می‌کند، گروهی از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سر افکندند، گویی اصلاً از آن خبر ندارند. علمای یهود، پیش از بعثت پیامبر، مردم را به ظهور و دعوت آن حضرت بشارت می‌دادند و نشانه‌ها و مشخصات او را بازگو می‌کردند. با نشانه‌هایی که در نزد دانشمندان یهود بود، آنان محمد صلی‌الله علیه و آله را همچون فرزندان خویش می‌شناختند ولی بعد از بعثت آن حضرت در صدد انکار و کتمان آن نشانه‌ها برآمدند (قرائتی، ۱۳۸۳). همین مضمون در آیات ۷۸ سوره مریم برای کسانی که چیزی را به دروغ به خدا نسبت می‌دهند با این سؤال که آیا بر غیب آگاهی یافته‌اند بیان می‌کند. «أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِينَ مَالًا وَوَلَدًا ﴿۷۷﴾ أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿۷۸﴾ كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا ﴿۷۹﴾ وَ نَرَاهُ مَا يَقُولُ وَ يَأْتِينَا فَرْدًا ﴿۸۰﴾». پس آیا دیدی کسی را که به آیات ما کفر ورزید و گفت قطعاً به من مال و فرزند (بسیار) داده خواهد شد. آیا (این خوش‌خیالی به خاطر آن است که) از غیب آگاه است یا از خدای رحمان تعهدی گرفته است؟ هرگز! (چنین نیست) به‌زودی هر چه می‌گویند می‌نویسیم و برای همیشه عذابش می‌کنیم و هر چه (از مال و فرزند) دم می‌زند ما وارث خواهیم شد و او بی‌کس و تنها نزد ما خواهد آمد. امام باقر علیه‌السلام درباره‌ی شأن نزول «أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ» فرمودند: عاص بن وائل به خباب بدهکار بود و خباب برای دریافت طلب خود نزد او آمد ولی عاص گفت: آیا شما معتقد نیستید که در بهشت طلا و نقره و حریر هست؟ خباب گفت: آری؛ عاص گفت: پس وعده‌ی ما در بهشت و قسم می‌خورم که در بهشت بهتر از آنچه شما دادید به شما داده شود (قرائتی، ۱۳۸۳). شفاعت با اذن خدا: در آیه ۸۷ همین سوره (مریم) جواب این افراد داده شده است که می‌گفتند در روز قیامت فقط کسانی که با عهد خدا اذن شفاعت دارند می‌توانند شفاعت کنند. لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (۸۷). آنان مالک شفاعت نیستند مگر کسی که با خدای رحمان پیمانی بسته باشد (آیه فوق جواب بعضی که با خیال شفاعت اهل بیت سلام‌الله علیهم از گناهان پرهیز کمتری دارند را آشکار اعلام می‌کند). تجهیز کعبه به وسیله ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام: در آیه ۱۲۵ سوره بقره تمهد خدا از حضرت ابراهیم علیه‌السلام و حضرت اسماعیل علیه‌السلام برای پاک کردن خانه کعبه برای طواف کنندگان و سجده گزاران بیان شده است. وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَ اتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا

بَيْتِيَ اللَّطَائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (۱۲۵) و (به یادآور) هنگامی که خانه (ی کعبه) را محل رجوع و اجتماع و مرکز امن برای مردم قرار دادیم (و گفتیم): از مقام ابراهیم، جایگاهی برای نماز انتخاب کنید و به ابراهیم و اسماعیل تکلیف کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و راکعان و ساجدان، پاک و پاکیزه کنید. در تفسیر اطیب البیان به نقل از امالی طوسی آورده است ابن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که خداوند فرمود: «من سجد لصنم دونی، لا اجعله اماما ... انا و علی بن ابی طالب لم یسجد احدنا لصنم قط» یعنی هر کس برای بتی سجده کند من او را امام و رهبر قرار نمی‌دهم ... و من و علی بن ابی طالب، هیچ کدام از ما هرگز به بت سجده نکرده است. در آیه ۱۱۶ و ۱۱۵ سوره طه عهد خدا از حضرت آدم علیه السلام و فراموشی او از آن عهد و عدم استواری حضرت آدم بر عهد خود را ذکر کرده و لَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسَىٰ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا «۱۱۵» و إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ «۱۱۶» و به تحقیق، پیش از این با آدم پیمان بستیم اما او فراموش کرد و ما عزم استواری برای او نیافتیم و زمانی که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید، پس همگی سجده کردند مگر ابلیس که سرپیچی و امتناع کرد. این ششمین مرتبه‌ای است که از آغاز قرآن تاکنون به داستان آدم و ابلیس برمی‌خوریم. قبلاً نیز در سوره‌های بقره، اعراف، حجر، اسراء و کهف در این مورد اشاراتی شده بود. مراد از عهد و پیمان همان فرمان نخوردن از گیاه مخصوص است و مراد از نسیان، دقت نکردن در انجام فرمان است و گرنه فراموشی مطلق، عتاب و انتقاد ندارد. منظور از «عزم»، اراده‌ی محکم در برابر وسوسه‌های ابلیس است. امام کاظم علیه السلام فرمود: فرمان سجده و نافرمانی ابلیس، نوعی تسلی و دلداری پیامبر اسلام است که اگر به فرمان تو عمل نشد نگران نباش که ابلیس فرمان مرا نیز اطاعت نکرد (قرائتی، ۱۳۸۳).

شرایط وفاداری به پیمان با دشمنان: آیات ۴ و ۵ و ۱۲ سوره توبه شرایط وفاداری به پیمان با دشمنان را تهمد و وفاداری آنان ذکر می‌کند. إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يَظَاهَرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتَمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مَدِينِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ «۴» فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخَذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ «۵» مگر کسانی از مشرکان که با آنان پیمان بستید، سپس چیزی (از شرایط پیمان را) نسبت به شما نکاستند و احدی

از دشمنان را) بر ضد شما یاری نکردند، پس به پیمانشان تا پایان مدتشان وفادار باشید زیرا خدا پرهیزکاران را دوست دارد. پس هنگامی که ماه‌های حرام سپری شود، مشرکان را هر جا یافتید، بکشید و به اسیری بگیرید و محاصره کنید و در هر کمین گاهی به کمین آنان بنشینید ولی اگر توبه کردند و نماز را بر پا داشتند و زکات پرداختند، پس آزادشان گذارید زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است «آیه ۴ و ۵ سوره توبه». وَ إِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ «۱۲» اما اگر (به جای توبه) سوگندهای خویش را پس از بستن پیمانشان شکستند و در دین شما، زبان به طعنه (و عیب‌گویی) گشودند پس با سران کفر بجنگید زیرا که آنان را (پابندی به) سوگندی نیست. باشد که (با شدت عمل شما) از کردار خود باز ایستند. از علی علیه‌السلام پرسیدند: چرا فراریان جنگ صفین را تعقیب کردید ولی در جنگ جمل کاری به فراریان نداشتید؟ حضرت فرمود: در صفین، رهبر کفر زنده بود و فراریان دور او جمع شده، متشکل می‌شدند و حمله‌ی مجدد می‌کردند اما در جنگ جمل با کشته شدن رهبرشان، محوری برای تشکل و سازمان‌دهی مجدد نداشتند. امام صادق علیه‌السلام فرمود^۷: هر کس به دین شما طعنه زند، قطعاً کافر می‌شود. سپس این آیه را تلاوت فرمود (قرآتی، ۱۳۸۳).

امانت‌داری و رعایت وفای به عهد

مؤمنین امانت دار هستند: در آیات ۸ الی ۱۱ سوره مؤمنون تذکر به امانت‌داری و رعایت وفای به عهدها را بیان کرده و در آیات بعدش به اقامه نماز، ادای زکات و شهادت به حق تذکر داده شده است. وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ «۸» وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ «۹» أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ «۱۰» الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ «۱۱» و (مؤمنان رستگار) کسانی هستند که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت می‌کنند و آنان بر نمازهای خود مواظبت دارند. آنان وارثان‌اند. کسانی که بهشت‌برین را ارث می‌برند و در آن جاودانه خواهند ماند «آیات ۸- ۱۱ سوره مؤمنون». پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌و آله^۸ در آخرین لحظه‌های عمر خود به حضرت علی علیه‌السلام فرمود: «اد الامانة الى البر و الفاجر فيما قل و جل حتى الخيط و المخيط» امانت را به صاحبش برگردان، چه نیکوکار باشد و چه گناهکار، ارزشمند باشد یا ناچیز، اگرچه مقداری نخ باشد و یا پارچه و

^۷ تفسیر نورالثقلین جلد ۳ صفحه ۳۸۷

^۸ بحار، ج ۷، ص ۲۷۳

لباسی دوخته شده. امام خمینی قدس سره فرمود: همه‌ی نعمت‌های مادی، معنوی و سیاسی، امانت الهی هستند. جمهوری اسلامی امانت الهی است (قرائتی، ۱۳۸۳). پاداش اهل ایمان: آخر آیه ۱۶ سوره فرقان با عبارت کان علی ربک وعداً مسؤولاً تعهد خداوند برای پاداش اهل ایمان (بهشت جاودانی را با آنچه بخواهند) بیان می‌کند. لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا «۱۶» برای اهل بهشت آنچه بخواهند موجود است. آنان برای همیشه در آنجا هستند. (این پاداش) بر پروردگارت وعده‌ای است واجب. «آیه ۱۶ سوره فرقان» خواسته‌های اهل بهشت، همچون خواسته‌های خداوند در چهارچوب حکمت است یعنی همان‌گونه که «يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» از طرف خداوند در قالب کار حکیمانه است. «لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ» نیز از سوی مؤمنان در قالب تقاضای حکیمانه است و چنین نیست که مؤمنان بخواهند اهل دوزخ رها شوند یا درخواست کنند که به درجات انبیا راه یابند، زیرا این‌گونه تقاضاها حکیمانه نیست. علاوه بر عبارت‌های عهد و مسئولیت که ذکر گردید آیاتی که درباره ذکر اعمال نیک و بد انسان‌ها، صفات متقین، صفات گناهکاران، ذکر کسانی که خدا آن‌ها را دوست دارد یا خدا آن‌ها را دوست ندارد، جزا و پاداش اهل ایمان، صادقین، شهدا، انبیاء و داستان‌های اقوام متمرّد از فرمان الهی و سرنوشت آن‌ها که همراه با عذاب الهی بوده، آیاتی که صراط مستقیم را معرفی نموده و آیاتی که اخلاقیات و خلق‌وخوی زشت و خوب را معرفی نموده، همه وحی الهی و انتظار خداوند از انسان‌ها برای تدبیر و تعقل در آن‌ها برای نجات انسانیت و ساخت تمدنی بر پایه عدل و انصاف بدون ظلم و زورگویی ستمگران است. امامت حضرت ابراهیم علیه‌السلام: در آیه ۱۲۴ سوره بقره خداوند در جواب دعای حضرت ابراهیم علیه‌السلام که تقاضای امامت خود و ذریه‌اش را برای مردم می‌کند، خداوند می‌فرماید که عهد من شامل ظالمین نخواهد شد. وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (۱۲۴) و (به خاطر بیاور) هنگامی که پروردگار ابراهیم، او را با حوادث گوناگونی آزمایش کرد و او به‌خوبی از عهده آزمایش برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: از فرزندان من نیز (امامانی قرار بده). خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند شایسته این مقام‌اند) «آیه ۱۲۴ سوره بقره». حضرت ابراهیم علیه‌السلام بین انبیا، جایگاه و منزلت خاصی دارد. نام آن بزرگ-مرد، ۶۹ مرتبه و در ۲۵ سوره قرآن آمده و از او همانند پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله به‌عنوان اسوه و نمونه برای بشریت یاد شده است. حضرت ابراهیم علیه‌السلام

تنها پیامبری است که مشرکان و یهودیان و مسیحیان همه خود را پیرو راه او می‌دانند. در این آیه ضمن تجلیل از ابراهیم علیه‌السلام به‌طور غیرمستقیم به همه می‌فهماند که اگر به‌راستی او را قبول دارید، دست از شرک برداشته و همانند او تسلیم محض اوامر الهی باشید. این آیه یکی از آیاتی است که پشتوانه فکری و اعتقادی شیعه قرار گرفته است که امام باید معصوم باشد و کسی که لقب ظالم بر او صدق کند، به مقام امامت نخواهد رسید. این آیه، مقام امامت را «عَهْدِي» گفته است، پس آیه «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ» یعنی اگر شما به امامی که من تعیین کردم وفادار بودید و اطاعت کردید من نیز به نصرت و یاری که قول داده‌ام وفا خواهم کرد (قرآنی، ۱۳۸۳).

نتیجه‌گیری

آنچه ذکر گردید کلام خدا و پیامبر صلوات‌الله‌علیه‌واله، علی‌علیه‌السلام و ائمه‌ی معصومین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین بود. لازم دیدم برای تذکر به جامعه اسلامی، برای مسئولیت‌پذیری در مواردی که با حقوق یتیمان، محرومان، مستضعفین، کارگران و سایر افرادی که به نحوی زیردست عده‌ای دیگر قرار گرفته‌اند، همچنین به عموم مردم برای رعایت حقوق یکدیگر، توجه به خدا و معصومین علیهم‌السلام و کلام آن‌ها، تفکر در امور قبل از انجام عمل، مطالعه و تحقیق برای کسب علم در امور موردنیاز جامعه و حفاظت از محیط مادی (فضاهای طبیعی و حیاتی) و انسانی (فضاهای اجتماعی و خانوادگی، بازار، ادارات و مراکز آموزشی) مطالعه‌ی این مقاله و حتی‌الامکان عمل به آن را در حد توان یادآور شوم.

منابع

۱. بینایی، شکرالله. شهریور ۱۳۹۸. فصل دوم مبانی نظری مطالب قرآنی (صفحات ۹۲-۱۱۰) پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه برنامه‌ریزی آمایش سرزمین پردیس فارابی دانشگاه تهران با عنوان تحلیل و بررسی ابعاد و شاخص‌های توازن منطقه‌ای در ایران با رویکرد آمایش سرزمین.
۲. قرآن کریم
۳. محسن قرآنی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۴. نهج‌البلاغه